

Explaining the Psychological Factors Affecting the Empowerment of Rural Women (The Case of Likak County)

KAZHAL KHEDRI¹, MASOUD YAZDANPANAHI^{2*}, MASOUMEH FOROUZANI³,
MASOUD BARADARAN⁴

1, M.Sc. Student of Rural Development, Department of Agricultural Extension and Education, Agricultural Sciences and Natural Resources University of Khuzestan, Ahvaz, Iran
2, 3, 4, Associate Professors, Department of Agricultural Extension and Education, Agricultural Sciences and Natural Resources University of Khuzestan, Ahvaz, Iran

(Received: Jun. 8, 2019- Accepted: Jan, 24, 2020)

ABSTRACT

Women's empowerment based on the equality in all economic and social aspects is the cornerstone of achieving development. The goal of this study was investigating the factors affecting rural women's empowerment. The statistical population of this study was rural women (15 to 64 years old) in Likak County in Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad Province (N=1300). The sample size (n=300) was determined using the Krejcie & Morgan's Table that selected through random sampling. Data were collected through a researcher made questionnaire. The questionnaire validity was approved by experts in agricultural extension and education. Cronbach's alpha reliability coefficients were approved by a pilot study (0.65–0.88). The results of structural equation modeling analysis revealed that stereotype has a direct and negative effect on women's empowerment. Self-esteem and motivation achievement had direct and positive effect on women's empowerment.

Keywords: Empowerment, rural women, stereotypes, self-efficacy, self-esteem.

Extended Abstract

Introduction

Globally, women are the most affected by poverty. Although poverty affects men, women and children, there appears to be a stronger link between women and poverty. Development helps in sliding down inequality between men and women, whereas, women's empowerment accelerates the process of development. Gender equality and women's empowerment is the third of eight MDGs. It is an intrinsic rather than an instrumental goal, explicitly valued as an end in itself rather than as an instrument for achieving other goals. Empowerment in the context of women's development is a way of defining, challenging and overcoming barriers in a woman's life through which she increases her ability to shape her life and environment. It is an active, multidimensional process which should enable women to realize their full identity and power in all spheres of life.

Methodology

This research was designed and implemented to identify the factors affecting the empowerment of rural women in Likak County in Kohgiluyeh and Boyer Ahmad Province. The statistical population of this study was rural women (N=1300) aged 15-64 years old in Likak County in Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad Province. The sample size (n=300) was determined using the Krejcie & Morgan's table that selected through random sampling. The questionnaire validity was approved by experts in agricultural extension and education. Furthermore, Cronbach's alpha reliability coefficients, generally all scale indicated good-to-excellent reliability) 0.65–0.88) were approved by a pilot study. Finally, the data were analyzed using SPSS (V20) and Amos (V20). Correlation and structural equations were used in this study.

Results

The results of Pearson correlation test revealed that there is a positive and significant relationship between empowerment with self-efficacy and stereotypes while has a negative and significant relationship with self-assessment and Achievement Motivation variables. The results of SEM showed that the path coefficients indicated the strengths of relationships among variables. Regarding the direct effects, the following observations could be made. Self-esteem had significant positive effects on empowerment, stereotypes, and Achievement Motivation, had significant effects on the empowerment. While, the effects of self-efficacy, and self-assessment were not significant directly on empowerment.

Discussion

Correlation results show that women who have a better self-esteem are more capable. In other words, the mental imagination of individuals has a positive effect on their empowerment. Furthermore, who had more Achievement Motivation has more empowerment.

Conclusion

The purpose of this study is to identify the factors affecting the empowerment of rural women. As the results show, self-esteem has directly and positively impacted empowerment of individuals. High self-esteem creates a sense of self-esteem and adequacy in facing life's challenges. So, when rural women have high self-esteem, they are able to evaluate correctly and real knowledge of oneself, aware of their inner talents and limitations and they have the power to deal with the difficulty and try to solve the problems. Also, the Achievement Motivation has directly and positively impacted the empowerment of individuals. Since empowerment is a driving force for women's activities, it contributes to the development of abilities. For example, when women face hard tasks he thinks that all the resources that may be available to him are for success in his service therefore, they have a high degree of willingness to succeed in the tasks assigned to him and lead to progress in their ability.

The results also indicated that stereotypes directly and negatively impacted empowerment of individuals. It can be said that negative beliefs are a destructive factor in individual abilities and this can only be reduced by reducing false beliefs, especially gender discrimination, so that rural women can achieve more in their identity status, in other words by reducing stereotypes or gender stereotypes about gender, their abilities can be increased.

Keyword: Empowerment, rural women, stereotypes, self-efficacy, motivation achievement

تبیین عوامل روانشناختی مؤثر بر توانمندی زنان روستایی (مورد مطالعه: شهرستان لیکک)

کژال خدیری^۱، مسعود یزدان پناه^{۲*}، معصومه فروزانی^۳، مسعود برادران^۴
^۱، دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه روستایی، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان، اهواز، ایران
^۲، ^۳، ^۴، دانشجویان، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان، اهواز، ایران
 (تاریخ دریافت: ۹۸/۳/۱۸ - تاریخ تصویب: ۹۸/۱۰/۴)

چکیده

توانمندی زنان بر اساس برابری در همه حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی شالوده اصلی دستیابی به توسعه محسوب می‌شود. هدف این مطالعه، تبیین عوامل روانشناختی مؤثر بر توانمندی زنان روستایی بود. جامعه هدف مطالعه، زنان روستایی ۱۵ تا ۶۴ ساله شهرستان لیکک از توابع استان کهگیلویه و بویراحمد با جمعیت حدوداً ۱۳۰۰ نفر بود که بر اساس جدول مورگان، نمونه مورد نظر به حجم ۳۰۰ نفر تعیین و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب گردید. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شد. روایی صوری آن توسط چند تن از متخصصان ترویج و آموزش کشاورزی و پایایی آن از طریق ضریب آلفا کرونباخ مورد تایید قرار گرفت (۰/۰-۶۵/۸۸). نتایج حاصل از تحلیل مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان داد، متغیر استریوتایپ به صورت مستقیم و منفی و متغیرهای عزت نفس و انگیزه‌ی پیشرفت به صورت مستقیم و مثبت توانمندی زنان را تحت تاثیر قرار داده‌اند.

واژه‌های کلیدی: توانمندی، زنان روستایی، استریوتایپ، خودکارآمدی، عزت نفس.

مقدمه

روستا و افزایش هر چه بیشتر نرخ رشد تولیدات مواد غذایی در نظر گرفته می‌شوند. یکی از شاخص‌های نوسازی اقتصاد ملی و توسعه اجتماعی، مشارکت زنان روستایی و نحوه ایفای نقش آنان در ساختارهای اقتصادی است (Austrian, 2012). در ایران حدود هشت میلیون زن روستایی ۱۰ سال به بالا در بخش کشاورزی و منابع طبیعی فعالیت دارند. زنان در امور گوناگون جوامع روستایی مشارکت دارند و در جریان تولید، اقتصاد در سطوح ملی و خانواده نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کنند، به طوری که می‌توان از آنها به عنوان کلید دستیابی به امنیت غذایی نام برد (Mirtorabi et al., 2010). همچنین، نقش و اهمیت زنان در توسعه پایدار روستایی، نه تنها موجبات توجه برنامه‌ریزان را به این قشر از جامعه روستایی فراهم کرده، بلکه آن را ضروری

زنان روستایی نقش حیاتی در رشد کشاورزی (Dutta, 2018) و جایگاه ویژه‌ای در نیل به اهداف توسعه در هر جامعه‌ای دارند (Salehi Chegeni et al., 2018; Baig et al., 2018). آنان به عنوان بخشی از سرمایه‌های انسانی هر جامعه، با مشارکت خود می‌توانند نقش تعیین کننده‌ای در جامعه روستایی و نهایتاً در اداره امور کشور داشته باشند (Dutta, 2018; Kasomo, 2012) و از این رو، از نظر مشارکت نیروی انسانی به عنوان عاملی مؤثر در امور مختلف اقتصادی و کشاورزی به شمار می‌آیند (Jackson, 2010). به طور مثال، آنان با تولید، عمل-آوری و تامین مواد غذایی نقش بسیار مهمی در حیات انسانی ایفا می‌نمایند. زنان به عنوان نیروی عمده برای ایجاد تحول و منبعی بالقوه در جهت پیشبرد اقتصاد

وابسته به دامنه‌ای از عوامل می‌باشد که ابعاد روانی، شناختی، اقتصادی، اجتماعی (Batool et al., 2016; Parveen, 2007; Tripathi, 2015; Ashburn & Osman & Tanner, 2017; Warner, 2010)، حقوقی (Warner, 2010)، سیاسی (Ashburn & Warner, 2010)، فرهنگی (Rathod & Damodhar, 2016; 2007) و فرهنگی (Rathod & Damodhar, 2016) را شامل می‌شود.

اکثر مطالعات در زمینه‌ی توانمندی زنان بر ابعاد اقتصادی تمرکز دارند (Osman & Tanner, 2017; Ashburn & Warner, 2010) در صورتی که صاحب نظران معتقدند بعد روان شناختی بیشترین اهمیت را دارد (Osman & Tanner, 2017). بررسی منابع علمی در زمینه‌ی توانمندی زنان روستایی حاکی از این است که توانمندی زنان به‌طور عام و توانمندی روان شناختی زنان به‌طور خاص از چالش‌های کلیدی اغلب جوامع هستند (Ghasemi et al., 2018). به علاوه، در ایران در حوزه ابعاد روانی مطالعات زیادی صورت نگرفته است، بنابراین، مطالعه حاضر به بررسی ابعاد روانی موثر بر توانمندی زنان روستایی شهرستان لیکک پرداخته است. شهرستان لیکک در استان کهگیلویه و بویراحمد ایران واقع شده است. این شهرستان به لحاظ موقعیت جغرافیایی به شهرستان بهبهان در استان خوزستان نزدیکتر است ولی در نقشه استانی جزئی از استان کهگیلویه و بویراحمد به‌شمار می‌رود.

چارچوب مفهومی

پژوهش‌ها و مطالعات صورت گرفته در حوزه توانمندی، از تنوع گسترده‌ای برخوردار است، به ویژه این که رویکردهای مختلفی در آن مورد مطالعه قرار گرفته‌اند و تنوع در ادبیات توانمندی موجب تقویت محتوای آن شده است (Littrell, 2007). اگر چه توانمندی در حال حاضر واژه‌ای آشنا است و در بسیاری از موارد استفاده شده است، اما تعریف جامع آن بسیار دشوار است، زیرا توانمندی پدیده نهفته‌ای است که آشکارا مشاهده نمی‌شود (Basu, 2005; Mahmud et al., 2012). توانمندی به معنای قدرت بخشیدن است؛ بدین معناست که به افراد کمک شود تا احساس اعتماد به نفس‌شان را بهبود بخشند و بر احساس ناتوانی یا درماندگی‌شان چیره شوند. توانمندی در فرد توانمند شور

ساخته است. از این‌رو، توجه بسیاری بر توانمندسازی زنان روستایی معطوف شده است (Khani et al., 2012). توجه به توانمندسازی زنان روستایی و عوامل موثر بر آنها می‌تواند ضمن افزایش مشارکت آنها در امور معیشتی باعث افزایش توانمندی و کمک به افزایش درآمد خانواده آنان شود (Tarasi et al., 2019). توانمندی زنان فرایندی به‌سوی برابری جنسیتی است (Winther et al., 2018). در واقع توانمندی به‌عنوان یک راه‌حل، خواستار افزایش مشارکت زنان و خواستار قدرت دادن به آنان، نه به معنای برتری یک فرد بر فرد دیگر، بلکه به معنای افزایش توان آنها برای اتکا به خود و گسترش حق انتخاب در زندگی است. توانمندی خواهان رفع نابرابری در جامعه، تامین همه احتیاجات اولیه زنان، تقسیم کار در خانواده میان زن و مرد، امکان بهره‌برداری هر فرد از توانایی‌های خود و رفع تبعیض‌های قانونی بین زن و مرد است (Majedi et al., 2015). توانمندی زنان به معنای افزایش شناخت، قابلیت اعتماد، افزایش حق انتخاب، افزایش مهارت و افزایش قدرت کنترل به وسیله خودشان است (Paryab, 2012). در رویکرد توانمندی، زنان می‌خواهند حق مستقلی برای انتخاب‌های خود داشته باشند، خود را ساماندهی کرده و منابع را کنترل کنند (Ashburn & Warner, 2010). همچنین، روحیه خودباوری، اعتماد به نفس و مسئولیت‌پذیری در آنان تقویت شده تا بتوانند هنگام رویارویی با مشکلات، گامی در جهت رفع این مشکلات و معضلات برداشته و همواره به خود متکی باشند. بنابراین، توانمندی زنان روستایی به عنوان ایده‌ای متداول و به‌عنوان بخشی از زبان توسعه مطرح می‌گردد که می‌تواند با بهبود عملکرد زنان، بقای آنان را تثبیت کند (Handy et al., 2004). با این حال توانمندی زنان یک پدیده اجتماعی است و پدیده‌های اجتماعی تک علتی نیستند، در واقع، توانمند شدن زنان به عوامل درونی و بیرونی متعددی بستگی دارد. به‌طور مثال، از میان عوامل درونی، وضعیت جسمانی، وضعیت روانی و وضعیت اقتصادی خانواده بر توانمندی فرد نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. علاوه بر این، ساختارهای اجتماعی موجود در این خصوص می‌توانند به میزان زیادی تعیین‌کننده باشند (Kaldi & Salahshouri, 2012). چنانکه تحقیقات نشان می‌دهد، توانمندی زنان

های بعدی در او منجر می‌شود (Ranjbarian et al., 2006). از این‌رو، عزت نفس یکی از ویژگی‌های شخصیت فرد است که بر ارزشیابی و قضاوت مثبت یا منفی نسبتاً پایدار فرد نسبت به خود دلالت می‌کند.

خودکارآمدی نیز می‌تواند توانمندی افراد را تحت تاثیر قرار دهد. خودکارآمدی به معنی توانایی فرد برای ایجاد یک اثر یا نتیجه مطلوب بوده و به صورت درک یا قضاوت فرد در مورد توانایی انجام یک عمل خاص به طور موفقیت آمیز با کنترل عوامل پیرامون خود تعریف می‌شود (McClary, 2009). خودکارآمدی تعمق، تمرکز، مسئولیت‌پذیری، خودآغازی، توان خلق و حل مسئله، خودکاو و خودارزشیابی را بهبود بخشد (Rezaei et al., 2018). برخی از محققان، بر این باورند که این ویژگی، مهمترین عنصر توانمندی است؛ زیرا داشتن احساس خودکارآمدی تعیین می‌کند که آیا فرد برای انجام دادن کاری دشوار، خواهد کوشید و پشتکار خواهد داشت یا خیر. در واقع خودکارآمدی مجموعه‌ای از باورهای کنترلی افراد است که خود به حضور عواملی که ممکن است عملکرد رفتاری را تسهیل کنند یا مانع از آن شود بر می‌گردد (Wauters et al., 2010). از این‌رو، سنجش خودکارآمدی و عزت نفس فرد می‌تواند ابزار مطمئنی برای پیش‌بینی احتمال تکوین رفتار توانمندی در اختیار قرار دهد (Morton & Montgomery, 2013; Musick & Mare, 2006; Dickerson & Taylor, 2000). از طرفی عزت نفس خود تحت تاثیر خودکارآمدی فرد می‌باشد. به اعتقاد بندورا کسانی که عزت نفس بیشتری دارند و به موجب آن از احساس خودکارآمدی بالایی برخوردارند، بر موانع و مشکلات موجود بهتر غلبه می‌کنند (Bandura, 1993).

یکی دیگر از متغیرهایی که می‌تواند بر توانمندی افراد مؤثر واقع شود استریوتایپ یا کلیشه‌های جنسیتی می‌باشد. در واقع استریوتایپ می‌تواند نفوذ قدرتمندی در شناخت و رفتار داشته باشند (Gupta et al., 2008; Yazdanpanah et al., 2019). استریوتایپ عبارتست از باورهایی در ذهن، که احتمال دارد نادرست یا غیرواقعی باشند. این باورها گاهی بسیاری از اعمال و رفتار افراد را شکل می‌دهند و بر نوع تفکر فرد نسبت به خود تأثیر دارند. باورهای غلط درونی شده در ناخودآگاه منشاء

و شوق کار و فعالیت به وجود می‌آورد و باعث می‌شود برای انجام وظایف بر اساس انگیزه‌ی درونی عمل کنند (Malhatra, Schuler & Boender, 2005; Whetten & Cameron, 2002) و همچنین، موجب بهبود تصویر و تصویری می‌شود که افراد از وضعیت خودشان دارند (Ugbomeh, 2001). Rifkin (2003) توانمندی را فرآیندی می‌داند که به واسطه‌ی آن افراد بر امور و کارهایشان تسلط بیشتری می‌یابند و با کسب قدرت بالا، کنترل بر منابع، اعتمادسازی، ظرفیت سازی و مشارکت فعال قادرند، مسیر زندگیشان را به درستی هدایت کنند. به عبارت دیگر، توانمندی فرآیندی است که معرف پیشرفت از یک موقعیت نابرابری جنسیتی به موقعیت دیگر یعنی برابری جنسیتی می‌باشد (Malhatra, Schuler & Boender, 2005). به طور کلی، بر اساس تعریف سازمان ملل متحد، توانمندی زنان بر اساس برابری در همه حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی شالوده اصلی دستیابی به توسعه و صلح محسوب می‌شود (Kenyon & Garcia, 2016).

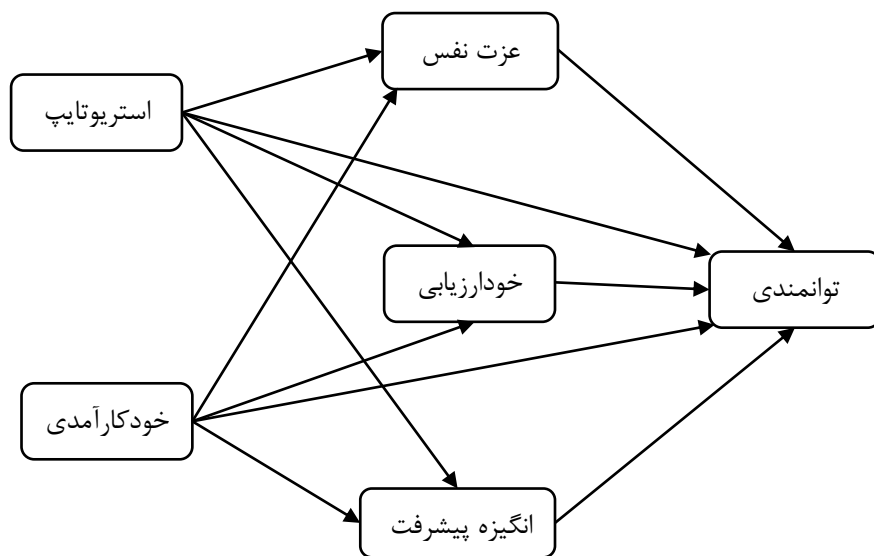
بررسی مطالعات و تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد، عزت نفس یکی از عواملی روانی است که توانمندی افراد را تحت تاثیر قرار می‌دهد (Telangana et al., 2006; Musick & Mare, 2012). عزت نفس جزئی از خودپنداره فرد است که شامل جنبه‌های شناختی، رفتاری و عاطفی می‌باشد و عبارت است از این که فرد چگونه درباره خودش فکر می‌کند و یا چگونه خودش را ارزشیابی می‌کند (Aydna & Volkan Sar, 2011). افراد با عزت نفس بالا به توان تصمیم‌گیری خود مطمئن بوده و منتظر دستاوردهای موفقیت‌آمیز هستند (Griffin-Shirley & Nes, 2005). در مطالعاتی که توسط استنک (۱۹۷۲) انجام شده ارتباط متقابل بین عزت نفس و تصور فرد از توانایی خود، مورد تایید قرار گرفته است. بدین معنی که اگر میزان عزت نفس کاهش یابد، احساس ضعف و ناتوانی در فرد به وجود می‌آید. برعکس، با افزایش میزان عزت نفس، احساس ارزشمندی و توانمندی در فرد رشد می‌کند و تغییرات مثبتی نظیر پیشرفت، تلاش برای کسب موفقیت، اعتماد به نفس، بلند همت بودن، تمایل به داشتن سلامت بیشتر، لذت بردن از روابط با دیگران و پیش‌بینی مثبت به موفقیت-

افراد راهبردهای سودمندتری برای سازمان به کار می-بندند و سرانجام کارکردشان در انجام کار بهتر است ولی کسانی که خودکارآمدی پایینی دارند به آسانی در برخورد با موانع یا شکست‌ها دلسرد می‌شوند. در حقیقت خودکارآمدی نقش میانجی‌گر و تسهیل‌کننده در پیوند میان کنش‌های شناختی بازی می‌کند (Zouy al-).
Hayat et al., 2017

انگیزه پیشرفت نیز از متغیرهایی است که می‌تواند بر توانمندی افراد اثر گذار باشد (Zhang & Bartol, 2010). منظور از انگیزه پیشرفت میل یا اشتیاق برای کسب موفقیت و شرکت در فعالیتی نهایی است که موفقیت در آن‌ها به کوشش و توانایی شخص وابسته است. افراد با انگیزه پیشرفت بالا برای حل مشکلات و رسیدن به موفقیت بسیار کوشا هستند (Saif, 2011). از نظر مک‌کله‌لند افرادی که نیاز به پیشرفت بالایی دارند بر دست یافتن به اهداف پافشاری می‌نمایند و تمایل دارند تا با اهداف چالش‌برانگیزتری مواجه شوند و مسؤولیت بیشتری بپذیرند (Pourkarimi et al., 2006). از این‌رو، انگیزه پیشرفت به مفهوم انگیزه غلبه بر موانع و مبارزه با آن چه که به دشوار بودن شهرت دارد، می‌باشد (Saif, 2011). بنابراین، پرورش و تقویت انگیزه پیشرفت سبب ایجاد انرژی و جهت دهی مناسب رفتار، علایق و نیازهای افراد در راستای اهداف ارزشمند و معین می‌شود (Biyabangard, 2005). از طرف دیگر، اعتقاد بر این است که باورهای خودکارآمدی نقش مهمی در رشد انگیزش درونی دارند. این نیروی درونی زمانی رشد می‌یابد که تمایل به دستیابی به این معیارها در فرد ایجاد شود و در صورت کسب نتیجه، فرد به خودسنجی مثبت دست پیدا می‌کند. این علاقه‌ی درونی، موجب تلاش-های فرد در بلندمدت و بدون حضور پاداش‌های محیطی می‌شود (Kadivar, 2003). با توجه به مطالب ذکر شده چارچوب مفهومی این تحقیق در شکل ۱ ترسیم شده است.

آسیب‌های اجتماعی فراوان خواهند بود (Alyari & Noohi, 2013). به بیان دیگر، استریوتایپ عبارت است از ویژگی‌هایی از صفات و رفتار فرد که بر اساس جنسیت به خود فرد نسبت داده می‌شود. به‌طور معمول استریوتایپ، باورهای ذهنی در مورد جنسیت است و انتظاراتی را در افراد بر اساس جنسیت آنها در گروه‌ها، مخصوصاً در محل کار ایجاد می‌کند. به‌طور معمول زنان استریوتایپ را به این صورت دارند که خود را باید تابع جمعی مخصوصاً مردان بدانند و ویژگی‌هایی مانند دلسوزی، احساساتی، سخاوتمند، و مفید دارند اما مردان دارای ویژگی‌های جنسیتی مانند قاطعانه‌تر، جاه‌طلبی، تهاجمی و اعتماد به نفس بالا که می‌بایست نقش رهبری داشته باشد (Duehr & Bonor, 2006). در مطالعه Yazdanpanah et al. (2019) اشاره شده است که این دیدگاه که کار بیرون برای مرد است و مردها بهتر می‌توانند کار بیرون را انجام دهند و در آن موفقترند بر مشارکت زنان روستایی تأثیر منفی گذاشته است.

از جمله متغیرهای دیگری که می‌تواند به عنوان اصلی‌ترین سازه روانشناختی در وجود هر انسانی قرار داشته باشد مفهوم خود ارزیابی است که می‌تواند بنیان سلامت روانی و کاری هر فردی را تحت تأثیر قرار دهد (Judge & Bono, 2001). باورها و قضاوت‌های فرد نسبت به توانایی‌های خود در انجام مسؤولیت‌ها می‌تواند احساس توانمند بودن را تحت تأثیر قرار دهند. انسان دارای نوعی نظام خودکنترلی جهت تنظیم رفتارهای خود می‌باشد، بنابراین، خودشناسی در کل و خودارزیابی می‌تواند عملکرد او را تحت تأثیر قرار دهد. از این‌رو، خودارزیابی یک تکنیک قوی برای بهبود توانمندی می‌باشد (Judge & Bono, 2001). همچنین، خودکارآمدی فرد نیز بر خودارزیابی او مؤثر است کسانی که خودکارآمدی بالایی دارند، هدف‌های چالش‌برانگیزتر و بالاتری را بر می‌گزینند به خود بیشتر باور دارند. این



نمودار ۱- چارچوب مفهومی پژوهش

پیش آزمون، حاکی از قابل قبول بودن پایایی پرسشنامه برای انجام تحقیق بوده است (جدول ۱). جهت سنجش همه گویه‌ها از طیف لیکرت پنج امتیازی از خیلی کم (۱) تا خیلی زیاد (۵) استفاده شد. در نهایت، داده‌های به‌دست آمده، با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS (V20) و Amos (V20) مورد توصیف و تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

جدول ۱- تعداد گویه‌ها و ضریب آلفا کرونباخ

متغیر	تعداد	ضریب	متغیر	ضریب
توانمندسازی	۵	۰/۷۲	خودارزیابی	۳
عزت نفس	۶	۰/۶۵	استریوتایپ	۳
خودکارآمدی	۱۰	۰/۸۸	انگیزه	۱۶

یافته‌ها و بحث

آمار توصیفی نشان داد، میانگین سن پاسخگویان در نمونه تحقیق ۳۴/۱۷ سال و کمترین آن‌ها ۱۸ سال و بیشترین آن‌ها دارای ۶۰ سال سن بوده‌اند. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت تاهل نیز نشان داد، ۲۵۷۱ نفر (۸۵/۷ درصد) متاهل و ۴۳ نفر (۱۴/۳ درصد) مجرد بودند. همچنین، توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس شغل آنان نشان داد، ۲۶۲ نفر (۸۷/۳ درصد) خانه‌دار و ۳۸ نفر (۱۲/۷ درصد) شاغل می‌باشند. شغل همسران زنان متاهل بدین گونه بوده است؛ ۷۸ نفر (۳۰ درصد)

روش تحقیق

این پژوهش به‌منظور شناسایی عوامل مؤثر بر توانمندی زنان روستایی شهرستان لیکک در استان کهگیلویه و بویر احمد طراحی و اجرا شد. روش تحقیق از لحاظ هدف کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش زنان روستایی، ۱۵ تا ۶۴ سال این شهرستان با جمعیت حدوداً ۱۳۰۰ نفر بود که بر اساس جدول مورگان نمونه مورد نظر به حجم ۳۰۰ نفر انتخاب شد. روش نمونه-گیری تصادفی ساده بود. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخت استفاده شد. در این تحقیق جهت بررسی روایی صوری پرسشنامه‌ی محقق ساخت و صحت و سقم گویه‌های آن، از نظرات و پیشنهادهای برخی از اعضای هیئت علمی دانشگاه استفاده گردید که پس از اعمال اصلاحات پیشنهادی آن‌ها، اطمینان حاصل گردید که گویه‌ها و سؤالات مطرح شده، توانایی و قابلیت اندازه‌گیری محتوا و خصوصیات مورد نظر در تحقیق حاضر را دارا هستند. به منظور تایید پایایی پرسشنامه‌ی طراحی شده قبل از ورود به مرحله‌ی جمع‌آوری اطلاعات در مقیاس وسیع، از یک مطالعه پیش‌آزمون با ۳۰ پرسشنامه که در بین زنان روستایی خارج از نمونه اصلی مطالعه، توزیع گردید، استفاده شد. نتایج ضریب آلفای کرونباخ به دست آمده برای مطالعه

۰/۴ بود. افزون بر این دو شاخص، نتایج تحقیق حاکی از آن بود که مقادیر پایایی ترکیبی محاسبه شده برای مکنون‌های اشاره شده در قالب مدل اندازه‌گیری، بزرگتر از ۰/۷ بودند (جدول ۲). در مجموع، با توجه به نتایج به دست آمده بر اساس معیارهای سه‌گانه اشاره شده، می‌توان بیان داشت که ابزار تحقیق از روایی همگرایی مناسبی برخوردار بود.

جدول ۲ شاخص‌های روایی همگرا

پایایی مرکب Composite Reliability	
۰/۷۹۸	عزت نفس
۰/۷۶۹	استریوتایپ
۰/۷۱۶	خودارزیایی
۰/۸۶۴۴	خودکارآمدی
۰/۸۱۹	انگیزه پیشرفت
۰/۸۲۷	توانمندی

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل مدل نشان می‌دهد مدل مفهومی تحقیق از شاخص‌های برازش بودن رضایت بخش و قابل قبولی برخوردار است (جدول ۳). همانگونه که جدول ۳ نشان می‌دهد، در این پژوهش نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی برابر ۲/۲۹ (Relative Chi-sq) و تقریب ریشه میانگین مربع خطا (RMSEA) برابر ۰/۰۶۶ به دست آمد که براساس (Hu & Bentler, 1999) در محدوده قابل قبول قرار دارند.

کشاورز، ۱۰۱ نفر (۳۹ درصد) کارگر، ۴۴ نفر (۱۷ درصد) کارمند و ۳۴ نفر (۱۳ درصد). از ۳۰۰ نفر از زن روستایی ۱۳۸ نفر (۴۶ درصد) خود دارای درآمد مستقل بودند و ۱۶۲ نفر (۵۴ درصد) درآمد مستقل نداشتند. ۸۵ نفر (۲۸/۳ درصد) دارای تحصیلات ابتدایی، ۵ نفر (۱/۷ درصد) راهنمایی، ۴۱ نفر (۱۳/۷ درصد) دبیرستان، ۷۱ نفر (۲۳/۷ درصد) دیپلم، ۵۸ نفر (۱۹/۳ درصد) کارشناسی و ۵ نفر (۱/۷ درصد) کارشناسی ارشد بوده‌اند. همچنین، ۳۵ نفر از پاسخگویان (۱۱/۷ درصد) بی‌سواد بوده‌اند.

عوامل مؤثر بر توانمندی زنان روستایی

برای دستیابی به هدف اصلی این مطالعه یعنی شناسایی روابط علی میان متغیرهای تحقیق و تعیین عوامل مؤثر و قدرت پیش‌بینی کنندگی مدل جهت توضیح توانمندی زنان روستایی از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری با الگوریتم حداکثر بزرگ‌نمایی Maximum Likelihood با استفاده از نرم‌افزار اموس AMOS بهره گرفته شد. با توجه به نتایج به دست آمده در مدل اندازه‌گیری تعدادی از گویه‌ها به دلیل داشتن بار عاملی کمتر از ۰/۵ از مدل اندازه‌گیری کنار گذاشته شدند. همچنین، نتایج مربوط به مقادیر میانگین واریانس استخراج شده AVE نشان داد که مقدار این شاخص برای تمامی مکنون‌های مورد مطالعه بیشتر از

جدول ۳ - شاخص‌های برازش مدل مفهومی عوامل مؤثر بر توانمندسازی

Chi	Df	Chi/df	RMSEA	CFI	NFI	GFI	AGFI	RFI
۱۰۳۸/۳۸	۴۵۲	۲/۲۹	۰/۰۶۶	۰/۸۱	۰/۷۱	۰/۸۱	۰/۷۸	۰/۶۶

عملکرد موفقیت‌آمیز است. وی معتقد است خودکارآمدی توان سازنده‌ای است که با آن مهارت‌های شناختی، عاطفی و رفتاری انسان برای تحقق اهداف مختلف به گونه‌ای اثربخش سازماندهی می‌شود. بر این اساس هر اندازه که زنان احساس بهتری در مورد توانایی‌هایشان نسبت به خود داشته باشند بهتر خواهند توانست به واسطه‌ی آن بر امور و کارهایشان تسلط بیشتری پیدا کنند.

نتایج نشان داد، خودکارآمدی توانسته است، عزت نفس (Beta= 0.37, P<0.0001) و انگیزه پیشرفت

نتایج تجزیه و تحلیل مدل مفهومی نشان می‌دهد که از میان دو عامل استریوتایپ و خودکارآمدی، عامل خودکارآمدی (Beta=0.49, P<0.0001) به صورت مثبت و معنی‌داری توانسته است خودارزیایی زنان را تحت تاثیر قرار دهد. خودکارآمدی به تنهایی قادر است ۲۴ درصد (R²=0.24) از تغییرات خودارزیایی را تبیین کند. در واقع این یافته نشان می‌دهد که افزایش خودکارآمدی، باورها و قضاوت‌های زنان را از توانایی‌های خود نسبت به انجام مسئولیت‌ها ارتقاء داده است. به نظر Bandura (1997) خودکارآمدی عاملی مهم برای داشتن

جنسیتی اعتقاد داشته باشند و فعالیت‌های اجتماعی را بیشتر مختص مردان بدانند عزت نفس پایین‌تری خواهند داشت.

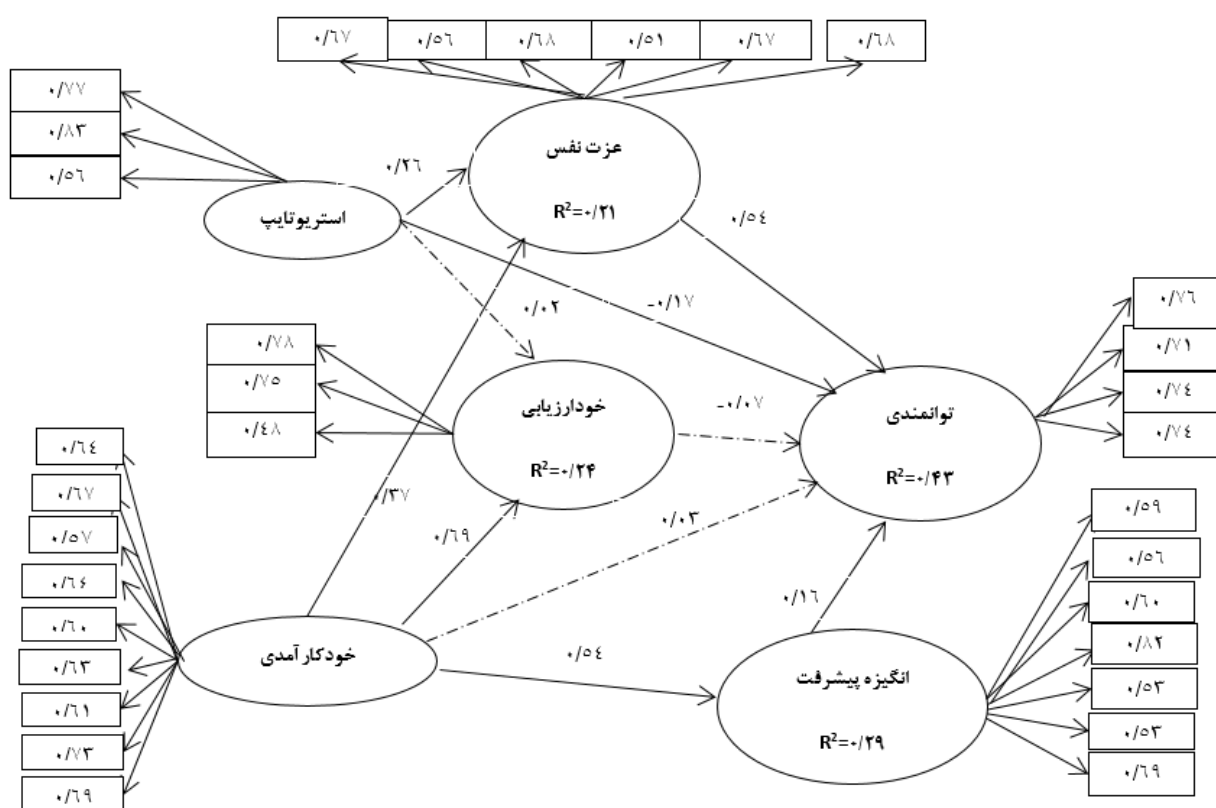
استریوتایپ (**stereotype**) و خودکارآمدی دو متغیر تاثیر گذار بر عزت نفس بوده‌اند و در مجموع، توانسته‌اند ۲۱ درصد از تغییرات آن را پیش بینی کنند. به علاوه، بر اساس یافته‌ها، متغیر استریوتایپ ($Beta = -0.17, P < 0.0001$) به صورت مستقیم و منفی و متغیر عزت‌نفس ($Beta = 0.54, P < 0.0001$) و انگیزه پیشرفت ($Beta = 0.16, P < 0.0001$) به صورت مستقیم و مثبت توانمندی افراد را تحت تاثیر قرار داده‌اند. چنانکه از نتایج قابل استنباط می‌باشد، استریوتایپ علاوه بر اثر مستقیم، از طریق عزت نفس، اثر غیرمستقیمی بر توانمندی داشته است.

همچنین، با وجود اینکه خودکارآمدی تاثیر مستقیمی بر توانمندی نداشته است. اما از طریق هر دو متغیر عزت نفس و انگیزه پیشرفت توانسته است توانمندی را متاثر سازد. همان طور که Sanchez et al (2007) بیان کردند، خودکارآمدی افراد، سطح انگیزشی آنها را از طریق کنترل میزان کوشش و مدت زمان پافشاری در مقابل موانع تعیین می‌کند. به هنگام مقابله با دشواری‌ها، افرادی که به توانایی‌های خود شک دارند، کوشش‌های خود را کاهش می‌دهند و به سرعت به راه حل‌های سطح پایین تن می‌دهند، در مقابل افراد با خودباوری قوی در مورد توانایی‌ها برای غلبه بر چالش، کوشش بیشتری را اعمال می‌کنند. هر چه خودکارآمدی فردی بالاتر باشد، سریع‌تر از تردیدهای حاصل از شکست‌ها بهبود می‌یابد؛ لذا، زنان با خودباوری و اعتماد به نفس بالا، در پذیرش و توزیع مسئولیت‌ها، چه در خانواده و چه در جامعه به طور مؤثر شرکت می‌کنند. در نهایت، مدل پیشنهادی تحقیق، ۴۳ درصد از تغییرات واریانس متغیر توانمندی ($R^2 = 0.43$) را تبیین کرده است.

($Beta = 0.54, P < 0.0001$) را به شکل مستقیم، مثبت و معنی داری تحت تاثیر قرار دهد. در این راستا، Martin, Brawle & (2002) در پژوهش خود دریافتند، خودکارآمدی میزان قابل توجهی از عزت نفس را تبیین می‌کند. عزت نفس نوعی نگاه است که به زنان این فرصت را می‌دهد تا دیدگاه واقعی و مثبتی نسبت به خود داشته باشند و سبب می‌شود زنان به توانایی‌های خود اعتماد پیدا کرده و احساس کنترل بر زندگی خود را داشته باشند. زنان با عزت نفس بالا به خود اعتماد و اطمینان لازم را دارند و در این قضاوت‌ها، ابراز عقایدشان مشهود است. از طرفی این زنان می‌توانند برای حل مشکلات راه حل مناسبی بیابند. آنان نگرش مثبتی نسبت به خود دارند، احساس ارزش می‌نمایند و در بحث‌ها و فعالیت‌های گروهی بیشتر شرکت می‌جویند.

متغیر خودکارآمدی به تنهایی توانسته است ۲۹ درصد از تغییرات انگیزه پیشرفت را تحت تاثیر قرار دهد. Karademas (2006) بیان می‌دارد با افزایش خودکارآمدی یک فرد، میزان تلاش و زمان برای صرف کردن روی یک تکلیف نیز افزایش می‌یابد، در نتیجه به عملکرد بالاتری منجر می‌شود. لذا، اگر زنان روستایی باور داشته باشند که می‌توانند نتایج مورد انتظار را بدست بیاورند و توانایی‌های لازم را کسب کنند انگیزه پیشرفت آنان برای انجام کار افزایش خواهد یافت. زنان سعی می‌کنند کارهایی را انجام دهند که درباره‌ی آن احساس شایستگی و اعتماد به نفس دارند و از کارهایی که نسبت به آنها بی اعتماد هستند اجتناب می‌کنند. لذا، نتیجه‌ی مسلم باور به خودکارآمدی بیشتر در زنان، سطح اطمینان بالاتر از توانایی‌های خود، اعتماد به نفس و اراده قوی‌تر خواهد بود.

همچنین، بر اساس نتایج به دست آمده متغیر استریوتایپ توانسته است عزت‌نفس زنان را ($P < 0.001$)، ($Beta = -0.26$) به صورت مستقیم و منفی تحت تاثیر قرار دهد. در واقع، هر چقدر افراد بیشتر به کلیشه‌های



شکل ۲- نتایج مدل مفهومی عوامل مؤثر بر توانمندسازی

ناتوانی و درماندگی شان چیره شوند. عزت نفس بالا باعث احساس خودارزشمندی و کفایت در مقابله با چالش‌های زندگی می‌شود و از این رو، می‌تواند منجر به افزایش توان زنان برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌گردد. لذا، وقتی زنان روستایی دارای عزت نفس بالا باشند، قدرت رویارویی با دشواری‌ها را داشته و در رفع آن‌ها تلاش می‌کنند.

متغیر خودکارآمدی تاثیر مستقیمی بر توانمندی نداشته است اما از طریق هر سه متغیر عزت نفس، خودارزیابی و انگیزه پیشرفت توانسته است توانمندی را متاثر سازد. این نتیجه با یافته‌های (Zouy al-Hayat et al., 2017; Bandura, 1993; Kadivar, 2003) مطابقت دارد. از آن جایی که خودکارآمدی ظرفیت حل مسأله را در زنان افزایش می‌دهد (Hoffman & Schraw, 2009) و با عزت نفس بالا ارتباط دارد (Moore & Chang, 2009)؛ لذا زنان با باورهای خودکارآمدی قوی بیشتر احتمال دارد که عزت نفس بیشتری داشته باشند. همچنین، هر چه زنان خودکارآمدی بالاتری داشته باشند، در خودارزیابی‌ها امتیاز بهتری به خود خواهند

نتیجه گیری و پیشنهادها

مطالعه حاضر جهت شناسایی عوامل روانشناختی مؤثر بر توانمندی زنان روستایی، از یک مدل مفهومی بهره گرفته است. نتایج حاصل از مدل ساختاری نشان می‌دهد که براساس شاخص‌های مختلف مدل تحقیق دارای برازش مناسب بوده است. همچنین مدل پیشنهادی توانسته است ۴۳ درصد از تغییرات توانمندی زنان را پیش‌بینی کند.

بررسی یافته‌های تحقیق نشان داد، عزت نفس به صورت مستقیم و مثبت توانمندی افراد را تحت تاثیر قرار داده است. این نتیجه با نتایج تحقیقات (Morton & Montgomery, 2013; Musick & Mare, 2006; Dickerson & Taylor, 2000; Tripathi, 2015) مطابقت دارد. در واقع هرچه عزت نفس زنان روستایی افزایش بیشتری یابد، توانمندی آنان بالاتر خواهد بود. از آن جایی که توانمندی به منزله‌ی تحول درونی می‌باشد که با ایجاد اعتماد به نفس آغاز می‌شود، به سرعت به احساس خود ارزشمندی فرد تبدیل می‌شود و موجب موفقیت شخصی وی می‌شود. لذا، توانمندی فرآیند قدرت بخشیدن به افراد است تا از این طریق بر احساس

را در جامعه مشخص می‌کند. با توجه به ویژگی‌های جوامع امروزی و با توجه به امکاناتی که برای هر فردی از جامعه وجود دارد، قرار دادن افراد در قالب‌های از پیش ساخته شده، مانعی برای رشد و تکامل و پیشرفت فردی در نظر گرفته می‌شود لذا کلیشه‌های جنسیتی و نگرش منفی به توانایی‌ها و شایستگی‌های زنان می‌تواند به‌عنوان مانعی در جهت پیشرفت آنان باشد. همچنین براساس مطالعه Yazdanpanah et al (2019) کلیشه‌های جنسیتی روی مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی اثرگذار بوده است. به هر حال، بررسی‌ها درباره مشارکت زنان در امور روستا، حاکی از آن است که وضعیت اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی موجود در جامعه روستایی از مهم‌ترین عوامل حضور و مشارکت زنان روستایی به‌شمار می‌آید؛ و مطابق فرهنگ سنتی روستا، اجازه و موافقت مردان برای انجام هرگونه فعالیت زنان ضروری است. در واقع کلیشه‌های جنسیتی حاکم، به‌ویژه در مردان در مورد نقش مادری و همسری زنان، مشخصاً در محیط روستایی از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر فعالیت‌های مشارکتی زنان در عرصه عمومی است. این در حالی است که جنسیت زنان، وجه کانونی هویت آنان نیست، بلکه رفتار، کردار، نگرش و شیوه تفکر زنان است که در اعصار و برهه‌های گوناگون هویت ساز است. بنابراین، بهتر است با زمینه‌سازی‌های فرهنگی و توسعه اجتماعی و فرهنگی، بر ارتباط و پیوندهای متقابل بین نقش‌های جنسیتی زنانه و مردانه تاکید شود و هرگونه تحلیل و جداسازی این نقش‌ها کاهش یابد. با توجه به این که رسانه‌های انبوهی رادیو و تلویزیون نسبت به سایر رسانه‌ها از نفوذ بالاتری در میان مردم روستایی برخوردار هستند و همچنین، با توجه به این که رسانه‌ها از مؤثرترین عناصر شکل دهنده کلیشه‌های جنسیتی‌اند (Alyari & Noohi, 2013). پیشنهاد می‌شود از رسانه‌های رادیو و تلویزیون به منظور کاهش دیدگاه جنسیتی استفاده شود. به طور مثال نشان دادن زنان موفق در شهرداری و دهیاری و یا نشان دادن یک زن موفق در پشت تراکتور یا یک زن با دامداری بزرگ می‌تواند به کاهش سه دیدگاه کلیشه‌ای غالب درباره زنان شامل خانه‌داری، مادری و همسری کمک کند.

داد. خودارزیابی‌های بهتر به این معنی است که زنان خود را در انجام کارهایی غیر از خانه‌داری، توانا بدانند و به این مسئله اعتقاد داشته باشند که می‌توانند به خوبی مردان در فعالیت‌های خارج از خانه موفق باشند. به‌علاوه انگیزش پیشرفت به این معناست که زنان برای انجام فعالیت‌های جدید سعی در یادگیری داشته باشند، از انجام کارهای جدید ترس و واهمه نداشته باشند و بلکه از آنها استقبال کنند و یا به طور کلی، از جایگاه خود راضی نبوده و دائماً به دنبال پیشرفت در مسایل زندگی و شغلی باشند. از این‌رو، افرادی که نسبت به توانایی خود اعتقاد بیشتری داشته باشند و به عبارتی دارای خودکارآمدی بالاتری باشند، انگیزه پیشرفت بیشتری خواهند داشت.

همچنین، انگیزه پیشرفت به‌صورت مستقیم و مثبت توانمندی افراد را تحت تاثیر قرار داده است که این نتیجه با نتیجه مطالعه Zhang & Bartol (2010) مطابقت دارد. انگیزه پیشرفت به فعالیت افراد منجر می‌شود. این انگیزه در انجام تکالیف بر مسئولیت درگیری برای حل مشکلات و تحمل خطرات نقش مهمی دارد؛ بنابراین انگیزه پیشرفت نیروی محرک برای فعالیت‌های زنان می‌باشد به توسعه و نمود توانایی‌ها بیشتر کمک می‌کند، ارتقاء روحیه توفیق طلبی و افزایش انگیزه در زنان روستایی می‌تواند منجر به پیشرفت و ترقی در توانمندسازی آنان شود. به نظر می‌رسد جایی که انگیزه‌های قوی وجود دارند، می‌توان مشارکت و توانمندی را تضمین کرد.

همچنین، نتایج نشان داد استریوتایپ به صورت مستقیم و منفی توانمندی افراد را تحت تاثیر قرار داده است که این یافته با نتیجه تحقیق Gupta et al 2008; (Yazdanpanah et al., 2019) همخوانی دارد. در این‌باره می‌توان اظهار داشت، باورهای منفی عامل مخرب توانایی‌های فردی است و این را می‌توان از طریق کاهش باورهای غلط مخصوصاً تبعیض جنسیتی کاهش داد تا زنان روستایی بیشتر به جایگاه هویتی خود دست یابند. به‌عبارتی، با کاهش استریوتایپ یا کلیشه‌های جنسیتی در مورد جنسیت می‌توان توانایی‌های آنان را افزایش داد. کلیشه‌های جنسیتی متأثر از هنجارها، ارزش‌ها، باورها و نگرش‌های اجتماعی است که ویژگی‌های زنان و مردان

تقویت کار گروهی فرصت‌های لازم برای توانمندی آنان را فراهم کرد. به طور مثال، انجمن‌های فعال زنان روستایی از طریق فعالیت‌های انگیزشی در جهت محقق ساختن حقوق و ایجاد خودباوری در زنان می‌تواند به توانمندسازی زنان کمک کند. همچنین افزایش خدمات، اعتبارات و قابلیت‌های صندوق‌های خرد زنان روستایی می‌تواند به منظور افزایش انگیزه پیشرفت موثر باشد.

ایجاد زمینه مناسب برای اشتغال زنان روستایی، خود اشتغالی و توانمندسازی اقتصادی آنان با استفاده از تسهیلات بانکی می‌تواند در فراهم نمودن شرایط لازم جهت توانمندی زنان موثر باشد.

همچنین دوره‌های آموزشی و علمی کاربردی برای تقویت مهارت‌های زنان نقش مهمی در انگیزه پیشرفت آنان دارد.

به علاوه انجمن‌های فعال زنان و هرگونه مرکزی که دغدغه اصلی آن توانمندی زنان روستایی باشد می‌تواند با ایجاد طرح‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی مبتنی بر نیازها و اولویت‌های زنان روستایی به افزایش عزت نفس و انگیزه پیشرفت زنان کمک کند.

پیشنهاد می‌شود، تقویت برنامه‌های بیمه در جهت تحت پوشش قرار دادن زنان روستایی در جهت افزایش امنیت اقتصادی و سلامت زنان صورت گیرد.

توصیه می‌شود، برنامه‌های خرید تضمینی و بدون واسطه تولیدات زنان روستایی توسط دولت و یا سازمان‌ها به منظور توانمندسازی زنان گسترش یابند.

به‌علاوه پیشنهاد می‌گردد، مشاغل و کارکنان درون روستاها فارغ از بحث جنسیت براساس علاقه و توانمندی‌های افراد انتخاب شوند که نیاز به فرهنگ-سازی‌های طولانی مدت دارد. به‌طور مثال، راهنمای گردشگری شغلی است که زنان به علت برخورد با گردشگران نامحرم اغلب به مردان واگذار می‌شود و یا با آن از سوی روستاییان مخالفت می‌شود، در حالی که وجود راهنمای گردشگری زن که در عین حال آشنایی کاملی با منطقه داشته باشد، می‌تواند بسیار مفید و موثر باشد.

با توجه به تاثیر عزت نفس بر توانمندی پیشنهاد می‌شود با ترویج فرهنگ برابری و نشان دادن زنان موفق در جامعه سبب افزایش اعتماد به نفس و در نتیجه افزایش توانمندی آنان شد. برای این منظور می‌توان از رسانه‌های ملی و استانی که در برنامه‌های خود بخش بیشتری را به زنان موفق اختصاص می‌دهند استفاده کرد. به علاوه آنچه در جهت افزایش عزت نفس باید مورد توجه قرار گیرد، برخوردهای مطلوب و مناسب و مبتنی بر احترام به زنان است.

با توجه به تاثیر انگیزه پیشرفت بر توانمندی پیشنهاد می‌شود به‌منظور تشویق زنان به ایجاد تغییرات داوطلبانه‌ی مثبت در خود به راه اندازی مراکز مشاوره‌ی زنان در نواحی روستایی پرداخته شود و با شناساندن استعداد و توانایی‌ها، ارتقاء سطح مهارت، تشویق به مشارکت فعال زنان در انجمن‌ها و تعاونی‌ها و همچنین

REFERENCES

1. Alyari, S., & Noohi, T. (2013). The amount Relation of Empowerment with Gender Appropriateness of Main Character of Woman in the (Tehran-e-makhu) Novel, Written by Morteza MoshfeghKazemi. *The Sociological Journal of Art and Literature*, 4(2), 21-38.
2. Ashburn, K., & Warner, A. (2010). Can economic empowerment reduce vulnerability of girls and young women to HIV? Emerging insights *International Center for Research on Women: Washington DC, USA*.
3. Austrian, K (2012). *Girls' Leadership and Mentoring*. The Population Council and the UN Adolescent Girls Task Force.
4. Aydm, B., & San, S. V. (2011). Internet addiction among adolescents: the role of self-esteem. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 15, 3500-3505.
5. Baig, I. A., Batool, Z., Ali, A., Baig, S. A., Hashim, M., & Zia-ur-Rehman, M. (2018). Impact of women empowerment on rural development in Southern Punjab, Pakistan. *Quality & Quantity*, 52(4), 1861-1872.
6. Bandiera, O., Buehren, N., Burgess, R., Goldstein, M., Gulesci, S., Rasul, I., & Sulaiman, M. (2012). *Empowering adolescent girls: evidence from a randomized control trial in Uganda*. World Bank.
7. Bandura, A. (1993). Perceived self-efficacy in cognitive development and functioning. *Educational psychologist*, 28(2), 117-148.
8. Basu, A. M. and G. B. Koolwal (2005). Two concepts of female empowerment: Some leads from DHS

- data on women's status and reproductive health. In S. Kishor (ed.), *A focus on gender: Collected papers on gender using DHS data* (pp. 15–53) Calverton, MD: ORC Macro.
9. Batool, S. A., Ahmed, H. K., & Qureshi, S. N. (2016). Economic and Psycho-social Determinants of Psychological Empowerment in Women. *Pakistan Journal of Social and Clinical Psychology*, 14(1), 21.
 10. Biyabangard, I (2005). *Educational Psychology*. Fifth Edition, Tehran: Publishing Edition.
 11. Dickerson, A., & Taylor, M. A. (2000). Self-limiting behavior in women: Self-esteem and self-efficacy as predictors. *Group & Organization Management*, 25(2), 191-210.
 12. Duehr, E. E., & Bono, J. E. (2006). Men, women, and managers: are stereotypes finally changing? *Personnel Psychology*, 59(4), 815-846.
 13. Dutta, T. (2018). Economic Development and Women: Role Played by Financial Inclusion.
 14. Ghasemi, M., Alizadeh, L., & Ghandehari, E. (2018). Editing the Strategies for Psychological Empowerment of Women in Rural Areas using Strategic Management Tools (SWOT-QSPM). *Women in Development and Politics*, 16(1), 79-109.
 15. Griffin-Shirley, N., & Nes, S. L. (2005). Self-Esteem and Empathy in Sighted and Visually Impaired Preadolescents. *Journal of visual impairment and blindness*, 99(5), 276-285.
 16. Gupta, V. K., Turban, D. B., & Bhawe, N. M. (2008). The effect of gender stereotype activation on entrepreneurial intentions. *Journal of Applied Psychology*, 93(5), 1053-1060
 17. Handy, F., Kassam, M., & Contact, P. (2004, July). Women's empowerment in rural India. In *International Society for Third Sector Research Conference, Toronto Canada* (pp. 7-8).
 18. Hoffman, B. & Schraw, G. (2009), The influence of self-efficacy and working memory capacity on problem-solving efficiency. *Learning and Individual Differences* 19: 91–100.
 19. Hu, L., & Bentler, P. M. (1999). Cutoff criteria for fit indexes in covariance structure analysis: Conventional criteria versus new alternatives. *Structural Equation modeling*, 6(1): 1-55.
 20. Judge, T. A., & Bono, J. E. (2001). Relationship of core self-evaluations traits—self-esteem, generalized self-efficacy, locus of control, and emotional stability—with job satisfaction and job performance: A meta-analysis. *Journal of applied Psychology*, 86(1), 80.
 21. Kadivar, P. (2003). *Psychology of education*. Tehran: samt (In Farsi).
 22. Kaldi, A., & Salahshouri, P. (2012). The Investigation of Social Support's Effect on Women Empowerment. *Journal of Iranian Social Development Studies*, 4(4), 7-22.
 23. Karademias, V. (2006), Self-efficacy, social support and well-being the mediating role of optimism. *Personality and Individual Differences*, 40:1281–1290.
 24. Kasomo, D. (2012). Factors affecting women participation in electoral politics in Africa. *International Journal of Psychology and Behavioral Sciences*, 2(3), 57-63.
 25. Kenyon, K. H., & Garcia, R. A. (2016). Exploring human rights-based activism as a social determinant of health: Insights from Brazil and South Africa. *Journal of Human Rights Practice*, 8(2), 198-218.
 26. Khan, A. R., & Bibi, Z. (2011). Women's socio-economic empowerment through participatory approach: a critical assessment. *Pakistan Economic and Social Review*, 133-148.
 27. Lesetedi, G. N. (2018). A Theoretical Perspective on Women and Poverty in Botswana. *Journal of International Women's Studies*, 19(5), 193-208.
 28. Littrell, R. F. (2007). Influences on employee preferences for empowerment practices by the “ideal manager” in China. *International Journal of Intercultural Relations*, 31(1), 87-110.
 29. Mahmud, S., Shah, N. M., & Becker, S. (2012). Measurement of women's empowerment in rural Bangladesh. *World development*, 40(3), 610-619.
 30. Majedi, H., Andalib, A., & Mosharzadeh Mehrabi, Z. (2015). Identifying Effective Factors of Women's Participation in Urban Development Projects. *Bagh- e Nazar: The scientific journal of Nazar Research Center, for Art, Architecture & Urbanism*, 12(32), 3-12.
 31. Malhotra, A., & Schuler, S. R. (2005). Women's empowerment as a variable in international development. *Measuring empowerment: Cross-disciplinary perspectives*, 1(1), 71-88.
 32. Martin, K. A., & Brawley, L. R. (2002). Self-handicapping in physical achievement settings: The contributions of self-esteem and self-efficacy. *Self and Identity*, 1(4), 337-351.
 33. McCarley, P. (2009). Patient empowerment and motivational interviewing: Engaging patients to self-

- manage their own care. *Nephrology nursing journal*, 36(4), 33-42.
34. Moores, T. & Chang, J. (2009), Self-efficacy, overconfidence, and the negative effect on subsequent performance: A field study. *Information & Management*, 46: 69-76.
 35. Morton, M. H., & Montgomery, P. (2013). Youth empowerment programs for improving adolescents' self-efficacy and self-esteem: A systematic review. *Research on social work practice*, 23(1), 22-33.
 36. Musick, K., & Mare, R. D. (2006). Recent trends in the inheritance of poverty and family structure. *Social Science Research*, 35(2), 471-499.
 37. Osman, M. A., & Tanner, M. (2017). The Influence of Telecentre Components on the Psychological Empowerment of Underserved Community Members in the Western Cape, South Africa. *The Electronic Journal of Information Systems in Developing Countries*, 81(1), 1-29.
 38. Parveen, S. (2007). Gender awareness of rural women in Bangladesh. *Journal of International Women's Studies*, 9(1), 253-269. (In Farsi)
 39. Qiang, D., Xiaoyun, L., Hongping, Y., & Keyun, Z. (2008). Gender inequality in rural education and poverty. *Chinese Sociology & Anthropology*, 40(4), 64-78.
 40. Ranjbarian, R., moosapoor, N., & ghezel ayag, M. (2006). Relationship between-Employees self-esteem and Need for Achievement in public Organizations. *Management Studies in Development and Evolution*, 12(48), 85-102.
 41. Rathod, M. K., & Damodhar, P. (2016). Impact of MAVIM activities on empowerment of rural women. *Indian Research Journal of Extension Education*, 15(1), 8-11.
 42. Rezaei, A., Raisi, Kh., Jalili, S. (2018). The Study of Effective of Academic Self Efficacy and Meta Cognitive Skills on Academic Achievement of Agricultural Students of Saravan Institute of Higher Education. *Journal of Agricultural Economics and Development*, 49, 764-749. (In Farsi).
 43. Rifkin, S. B. (2003). A framework linking community empowerment and health equity: it is a matter of Choice. *Journal of Health Popul Nutr*, 21(3), 168-180.
 44. Rout, H. B., & Mohanty, K. (2015). *Empowering women through tourism development*. Editor's Note, 85.
 45. Salehi CHegeni, M., Rahimiyan, M., Gholamrezai, S. (2018). Analyzing the Solutions of Microcredit Funds to Empower Rural Women (Case study: Lorestan Province). *Journal of Agricultural Economics and Development*, 49, 687-675. (In Farsi).
 46. Sanchez, M.H., Agoglia, C.P. & Hatfield, R.C. (2007). The effect of auditors use of a reciprocity-based strategy on auditor-client negotiation. *The Accounting Review*, 82, 241- 263.
 47. Seif, A. (2011). *New psychology*. Tehran: doran. (In Farsi)
 48. Tripathi, S. (2015). Need of Psychological Empowerment of Women in India. *Journal of Content, Community & Communication*, 1(1), 35-40.
 49. Ugbomeh, G. M. (2001). Empowering women in agricultural education for sustainable rural development. *Community Development Journal*, 36(4), 289-302.
 50. Wauters, E., Bielders, C., Poesen, J., Govers, G., & Mathijs, E. (2010). Adoption of soil conservation practices in Belgium: an examination of the theory of planned behaviour in the agri-environmental domain. *Land use policy*, 27(1), 86-94.
 51. Whetten, D. A. and K. S. Cameron (2002). *Developing management skills*, New York: Harper Collins.
 52. Winther, T., Ulsrud, K., & Saini, A. (2018). Solar powered electricity access: Implications for women's empowerment in rural Kenya. *Energy research & social science*, 44, 61-74.
 53. Zhang, X., & Bartol, K. M. (2010). Linking empowering leadership and employee creativity: The influence of psychological empowerment, intrinsic motivation, and creative process engagement. *Academy of management journal*, 53(1), 107-128.
 54. Zouy al-Hayat, M. R., Parivash, N., & Hussein. S. (2017). Relationship between Self-efficacy in Career Decision Making & Ethical Climate with Job Effectiveness. *International Journal of Ethics and Society*, 12(2), 59-66.
 55. Yazdanpanah, M. Khedri, KH, Forouzani, M. & Baradaran, M. (2019). Role of Identity, Gender Stereotype and Self-efficacy on Rural Women's Participation in Social, Economic and Political Activities. *Journal of Women in Development and Politics*. 16 (4). 603-619. (In Farsi).
 56. Mirtorabi, M. S.; Hejazi, U. & Hoseini, S. M. (2010). Effects of individual and family characteristics of rural women on participation motivation in agricultural activities. *Women's Studies*, 10(1);27-40. (In Farsi).
 57. Khani, F.; Motiee Langeroodi. S.H; Sayyad Bidhendi. L. (2012). Provide rural women empowerment

- model users of ICT (case study: Central Part of Lahijan City). *Journal of Community Development (rural an urban communities)*, 4 (1), 85-108. (In Farsi).
58. Tarasi Z, Karimzadeh H, & Aghayari hir M. (2019). Investigating factors and stimuli affecting the empowerment of rural women (Case study: Zanjan city). *Researches in Geographical Sciences*, 19 (54), 237-257. (In Farsi).